

تدوین الگوی اندازه‌گیری ارزش‌های جاری در ایران

سمانه قوهستانی^۱

غلامحسین مهدوی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۸

چکیده

ارائه اطلاعات منصفانه حسابداری مستلزم تهیه اطلاعاتی است که مطابق با واقعیت‌های اقتصادی باشد و آثار ناشی از تغییر عوامل تأثیرگذار را منعکس کند. یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر منصفانه بودن اطلاعات حسابداری، تغییر سطح قیمت‌ها و تورم است که الگوی حسابداری بهای تاریخی (به عنوان پارادایم فعلی حسابداری) را با مشکلات زیادی مواجه کرده است. بنابراین، در این پژوهش، تدوین الگوی اندازه‌گیری ارزش‌های جاری متناسب با شرایط اقتصادی ایران (به عنوان جایگزین الگوی حسابداری بهای تاریخی) بررسی شده است. روش پژوهش مورد استفاده توسعه‌یپیمایشی از نوع نظرسنجی است که از لحاظ زمانی، پژوهشی مقطعی به حساب می‌آید. ابزار اندازه‌گیری استفاده شده در این مطالعه، پرسش‌نامه پژوهشگرساخته است. بر اساس نتایج پژوهش، برای گزارشگری حسابداری در ایران، الگوی ارزش‌های جاری نسبت به بهای تاریخی الگوی مناسب‌تری است و برای اندازه‌گیری ارزش‌های جاری در ایران، رویکرد ارزش خروجی در اولویت اول قرار دارد. ضرورت گزارش ارزش جاری اقلام صورت وضعیت مالی از دیگر موضوعات مورد بررسی بود که بر اساس نتایج آن، اقلام ماشین‌آلات و تجهیزات، ابزارهای مالی، زمین، ساختمان و دارایی نامشهود، به ترتیب، دارای بیشترین امتیاز است. افزون بر این، نتایج پژوهش نشان داد که سود و زیان نگهداشت سرمایه باید شناسایی و در صورت سود و زیان جامع ارائه شود. همچنین، یافته‌های پژوهش در رابطه با ارائه اطلاعات ارزش‌های جاری بیانگر این است که ارائه به‌عنوان اطلاعات مکمل بهای تاریخی مناسب‌ترین روش است.

واژه‌های کلیدی: ارزش جاری، ارزش منصفانه، حسابداری بهای تاریخی، حسابداری تورمی، نگهداشت سرمایه.

۱- گروه حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۲- گروه حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. نویسنده مسئول ghmahdavi@rose.shirazu.ac.ir

۱- مقدمه

ارائه اطلاعات مالی شرکت‌ها در قالب اعداد و ارقام حاصل از سیستم حسابداری با استفاده از الگوهای مختلفی امکان‌پذیر است که عمده تفاوت بین این الگوها به دو مفهوم ارزشیابی^۱ و نگهداشت سرمایه^۲ مربوط می‌شود (پالی^۳، ۲۰۱۴). الگوی مرسوم حسابداری در حال حاضر الگوی بهای تاریخی است که مبتنی بر ارزشیابی براساس بهای تمام شده در زمان انجام مبادله و مفهوم نگهداشت سرمایه مالی اسمی است. براساس این الگو، هر مبادله‌ای برمبنای تاریخ انجام آن کمی شده و ثبت می‌شود و اعداد و ارقام وارد شده در حساب‌ها، جز در موارد استثنایی و خاص، بابت تغییر قیمت‌ها تعدیل نمی‌شود. همچنین، در این الگو سود هنگامی کسب می‌شود که مقدار واحدهای پولی موجود در ابتدای دوره، در انتهای دوره حفظ شده باشد. بنابراین، در این الگو سود از مازاد واحدهای پولی انتهای دوره نسبت به ابتدای دوره به دست می‌آید. روشن است که این مفهوم نگهداشت سرمایه بر اساس فرض واحد پولی ثابت قرار دارد که اگرچه یکی از فرض‌های نظری حسابداری است اما در دنیای واقعی و بخصوص هنگام وجود تورم و تغییر قیمت‌ها صدق نمی‌کند؛ زیرا قیمت‌ها یعنی اندازه‌های منتسب به اشیاء و رویدادها دائماً در حال تغییر و نوسان است. این نوسان و تغییر قیمت‌ها به دوشکل می‌تواند وجود داشته باشد: یا تغییر در سطح عمومی قیمت‌ها^۴ و یا تغییر در سطح قیمت‌های خاص^۵. بدون توجه به اینکه تغییر در قیمت‌ها عمومی باشد یا خاص، نتیجه حاصل این است که ارزش گزارش شده در صورت‌های مالی مبتنی بر بهای تاریخی بامقدار واقعی آن متفاوت خواهد بود (ولک، داد و رازیکی^۶، ۲۰۱۳) و مشکلاتی به همراه خواهد داشت.

پیامد اصلی مشکلات الگوی بهای تاریخی این است که تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران در چنین شرایطی قادر به اتخاذ تصمیم‌های مالی آگاهانه نیستند، مگر اینکه اثر تورم بر صورت‌های مالی برای آنان آشکار شود (ادواردز و اوکیف^۷، ۱۹۸۱). از جمله روش‌هایی که برای لحاظ کردن آثار تغییر قیمت‌ها پیشنهاد شده، روش حسابداری ارزش‌های جاری یا منصفانه است که توجه هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری و هیأت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا را بیش از پیش به خود جلب کرده است و موجب جهت‌گیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی^۸ به سوی آن‌ها شده است (لائوکس و لیوز^۹، ۲۰۰۹).

علی‌رغم اقدامات انجام شده در سطح بین‌المللی به منظور تعدیل آثار تورم و تعدیل قیمت‌ها بر صورت‌های مالی و با وجود نرخ‌های تورم بالا و مستمر در ایران (دیده‌خانی، دمیری و کاویانی، ۱۳۹۷)، تاکنون اقدامی جدی به منظور لحاظ کردن آثار تورم و تغییر قیمت‌ها بر صورت‌های مالی شرکت‌های ایرانی انجام نشده است (کرمی و تاجیک، ۱۳۹۴). نتایج پژوهش‌های انجام شده در ایران در رابطه با تورم و تغییر قیمت‌ها (دستگیر و امیدعلی، ۱۳۸۳؛ تاجیک، ۱۳۹۳ و فرج‌زاده

دهکردی، اعتمادی و فغفور مغربی، ۱۳۹۴) حاکی از این است که جامعه حسابداری ما با دو مشکل روبه‌رو است: تورم و نادیده گرفتن تورم. بنابراین، لازم است که به این پرسش‌های اساسی پاسخ داده شود که آیا صورت‌های مالی که به وسیله حسابداران تهیه می‌شود، نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان از آن صورت‌ها را تأمین می‌کند؟ آیا اطلاعات مندرج در صورت وضعیت مالی و سود و زیان توانایی تفکیک سود تورمی از سود عملیاتی را دارد؟ و این اطلاعات تا چه میزان قابل اتکا و در تصمیم‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند کمک‌کننده باشد؟ بر اساس نتایج پژوهش‌های پیشین، آسیب‌هایی که تورم در شرایط فعلی ایران بر گزارش‌های مالی وارد می‌کند جدی است و باید برای حل این مشکل اقدام کرد. زیرا به علت منعکس نکردن آثار تورم و تغییر قیمت‌ها در حساب‌ها و گزارش‌های مالی، اطلاعات این گزارش‌ها از لحاظ ویژگی کیفی بیان صادقانه با مشکل مواجه می‌شود. توجه به مسائل، مشکلات و انتقادهای وارد شده بر حسابداری بهای تاریخی در محیط‌هایی مانند ایران که دارای اقتصاد تورمی هستند، بیانگر لزوم بازنگری در الگوی حسابداری رایج و استفاده از سایر الگوهای ارزشیابی و اندازه‌گیری سود است (دستگیر و نیکزاد چاش‌تری، ۱۳۸۸). با این حال، تعیین الگوی حسابداری مناسب محیط ایران موضوعی است که کمتر به آن پرداخته شده است و با توجه به اهمیت آن، خلاء پژوهشی در این زمینه وجود دارد. این موضوع به همراه حرکت اخیر هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری به سوی ارزش‌های منصفانه (که بر پایه ارزش‌های جاری قرار دارد)، اهمیت پژوهش در این حوزه را دو چندان می‌کند. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این مسئله است که الگوی حسابداری ارزش جاری مناسب برای شرایط ایران چه الگویی است؟

بر اساس مسأله پژوهش، می‌توان هدف پژوهش حاضر را کمک به استاندارداران و نهادهای قانون‌گذار در حوزه مالی کشور برای توسعه الگوی حسابداری ارزش جاری معرفی کرد. در وضعیت تورمی کشور این موضوع می‌تواند در صورت محقق شدن اهداف آن، به تهیه و ارائه اطلاعات مربوطتر و قابل‌اتکا برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از اطلاعات شرکت‌ها سودمند واقع شود. عاملی که دستیابی به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری را تسهیل می‌کند؛ چرا که اطلاعات لازمه تصمیم‌گیری است و تصمیم‌گیری درست می‌تواند به توسعه و رشد اقتصادی کشور کمک کند. بنابراین، می‌توان گفت که اجرای این پژوهش از اهمیت بسزایی برخوردار است. انتظار بر این است که پژوهش حاضر بتواند سودمندی و نقاط قوت الگوی گزارشگری ارزش جاری در ایران را نشان دهد و از بین رویکردهای مختلف برای اندازه‌گیری ارزش‌های جاری، مناسب‌ترین رویکرد را تعیین کند. همچنین، مناسب‌ترین روش ارائه اطلاعات الگوی گزارشگری ارزش جاری و تعیین اولویت‌های گزارشگری ارزش‌های جاری برای اقلام

صورت وضعیت مالی در ایران را می‌توان از دیگر دستاوردهای بالقوه این مطالعه دانست. این عامل خود می‌تواند به گسترش ادبیات موضوع در زمینه الگوی گزارشگری ارزش‌های جاری کمک کند. در ادامه مقاله مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع و همچنین روش پژوهش و سؤال‌های برگرفته از مسأله پژوهش بیان می‌شود. در نهایت نتایج آزمون سؤال‌ها مطرح و در پایان باتوجه به نتایج آزمون سؤال‌های، مبانی نظری و پیشینه مطرح شده، نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد و با ذکر محدودیت‌ها و پیشنهادها به پایان می‌رسد.

۲- مبانی نظری

در حسابداری مبتنی بر بهای تاریخی در ساده‌ترین شکل آن، روال کار به این ترتیب است که هر مبادله‌ای در زمان وقوع و براساس ارزش‌های موجود در آن زمان ثبت و در دفاتر نگهداری و سپس بدون تغییر گزارش می‌شود (گادفری، هادسلون، تارکا، همیلتون و هولمز^۱، ۲۰۱۰). در چنین نحوه عملی فرض بر ثابت بودن واحد پول است، اما واحد پولی ثابت به دو دلیل نقض می‌شود: اول اینکه نوسانات بازار یا تغییرات فناوری می‌تواند منجر به تغییر قیمت نسبی کالاها و یا خدمات و یا دارایی‌های یک موسسه شود و این وضع حتی در حالتی که تورم هم وجود نداشته باشد قابل تصور است. دوم اینکه اگر تورم یا انقباض (کاهش قیمت‌ها) در اقتصاد وجود داشته باشد، واحد پولی در زمان‌های مختلف دارای قدرت خریدهای متفاوتی خواهد بود. به طور خلاصه می‌توان گفت که حساب‌های مبتنی بر بهای تاریخی اگر از لحاظ مفاهیم اقتصادی نظیر ارزش و یا سود در نظر گرفته شود نسبت به سایر گزینه‌های جایگزین موجود هیچ نوع برتری خاصی ندارد، مگر در شرایطی که محیط اقتصادی ویژگی‌های خاصی را (از قبیل کاملاً رقابتی بودن و در تعادل بودن در درازمدت و...) داشته باشد؛ در حالی که این ویژگی‌ها به طور عمده در دنیای واقعی برقرار نیستند. در نتیجه، در چنین شرایطی، اگر هدف محاسبه بهتر ارزش و یا سود باشد، باید از الگوهایی به غیر از بهای تاریخی استفاده کرد. البته، حساب‌های مبتنی بر بهای تاریخی به این دلیل که گزارشی از رویدادهای گذشته هستند، به لحاظ ایفای وظیفه مباشرت با ارزش هستند؛ اما اگر وظیفه مباشرت را عمده‌تاً مبتنی بر گذشته‌نگری دانست، این ویژگی مثبت حسابداری بهای تاریخی موجب نمی‌شود تا ضعف آن در رابطه با مربوط بودن و یا توان پیش‌بینی را نادیده گرفت (وی‌تینگ‌تون^۱، ۱۹۸۳). به‌طور کلی برای لحاظ کردن اثر تورم و تغییر قیمت‌ها دو راه وجود دارد: اول اینکه می‌توان اندازه‌های سیستم بهای تاریخی را حفظ کرد ولی آن‌ها را برای گزارشگری تعدیل کرد؛ از آنجا که این رویکرد به طور مستقیم به موضوع پژوهش حاضر ارتباطی ندارد، از ارائه توضیح بیشتر درباره آن صرف نظر می‌شود. دوم اینکه اصولاً می‌توان روش و مبنای اندازه‌گیری و ارزشیابی را تغییر داد.

یعنی به جای ارزشیابی بر مبنای بهای تاریخی می‌توان از ارزش‌های جاری استفاده کرد (تامپسون^{۱۲}، ۱۹۸۷).

هیأت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا معتقد است که ارزش‌های جاری (که از این پس هیأت آن را ارزش‌های منصفانه می‌خواند) نسبت به بهای تاریخی اطلاعات مربوطتری فراهم می‌کند (ولک و همکاران، ۲۰۱۳). در این رابطه، رامانا^{۱۳} (۲۰۱۳) عمل ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌ها به برآوردی از ارزش جاری آن‌ها را حسابداری ارزش منصفانه می‌نامد. بر اساس تعریف انجام شده به وسیله ولک و همکاران (۲۰۱۳)، استفاده از ارزش جاری، تلاش برای نسبت دادن ارزش‌های زمان حال به اقلام صورت‌های مالی و یا اقلام مندرج در حساب‌ها است. ولک و همکاران (۲۰۱۳) الگوی مبتنی بر ارزش‌های جاری را به دو دسته ارزش‌های ورودی (ارزش‌های جایگزینی) و ارزش‌های خروجی (ارزش‌های بازیافتنی) به شرح زیر دسته‌بندی می‌کنند.

الف. رویکرد ارزش ورودی: همان‌طور که از نام این رویکرد نیز مشخص است، این رویکرد از ارزشیابی‌های ورودی (مبتنی بر بهای جایگزینی) استفاده می‌کند. در مقایسه عددی داده‌های حاصل از ارزش خروجی و ارزش ورودی، معمولاً ارزش‌های ورودی به اعداد بزرگ‌تری منجر می‌شود که این امر دو دلیل دارد: اول اینکه فروش یک دارایی که بنگاه معمولاً در بازار آن فعالیت ندارد نسبت به قیمتی که یک معامله‌گر فعال آن دارایی می‌تواند کسب کند، پول کم‌تری می‌تواند نصیب واحد تجاری کند. در نتیجه، واحد تجاری برای خرید دارایی از معامله‌گر مربوط باید پول بیشتری بپردازد تا پولی که می‌تواند از فروش آن دارایی به دست آورد. دوم اینکه هزینه‌های جنبی مرتبط با فروش و کنارگذاری یک دارایی باید از قیمت فروش کسر شود تا بتوان خالص ارزش بازیافتنی را به دست آورد. نتیجه بسیار مهم این است که اعداد حاصل از ارزشیابی ورودی و خروجی می‌تواند کاملاً بایکدیگر متفاوت باشد (ولک و همکاران، ۲۰۱۳).

به ای جایگزینی در شکل ایده‌آل خود در شرایطی اندازه‌گیری می‌شود که ارزش بازار برای دارایی‌های مشابه وجود داشته باشد (بازار فعالی وجود داشته باشد). این وضعیت معمولاً در مورد موجودی کالای خریداری شده و موجودی‌های مواد خام وجود دارد. با این حال، در اغلب اوقات ارزش‌های بازار برای اقلامی نظیر دارایی‌های ثابت مشهود منحصر به فرد (که ممکن است استفاده شده و مربوط به یک نوع خاص فعالیت باشد) وجود ندارد. برای به دست آوردن ارزش‌های جاری در شرایطی که قیمت‌های بازار در دسترس نباشد می‌توان از ارزشیابی‌های کارشناسان استفاده کرد. البته، استفاده از نظر کارشناسان برای ارزشیابی هم مشکلات خاص خود را دارد. از جمله عینی نبودن (قضاوتی بودن)، تضاد منافع و همچنین احتمال نداشتن فزونی منافع بر مخارج به دلیل مخارج بالای کارشناسی. مربوط بودن ارزش‌های ورودی از سوی برخی صاحب‌نظران نظیر

استرلینگ^{۱۴} مورد تردید قرار گرفته است. استرلینگ استدلال می‌کند که ارزش ورودی دارایی‌هایی که بنگاه آن‌ها را در تملک ندارد فقط در صورتی مربوط است که قصد خرید آن دارایی‌ها وجود داشته باشد. از سوی دیگر برای دارایی‌های در تملک بنگاه، ارزش‌های ورودی نسبت به ارزش بازیافتنی نامربوط است، زیرا آن دارایی‌ها قبلاً خریداری شده است و قصد بنگاه از خرید آن‌ها، فروش و یا استفاده از آن‌ها در فرآیند کسب و کار خود است؛ در نتیجه، تنها اگر بنگاه قصد خرید مجدد آن دارایی‌ها را داشته باشد، قیمت خرید آن‌ها مربوط است (شرودر، کلارک و کتی^{۱۵}، ۲۰۱۱).

ب. رویکرد ارزش خروجی: این رویکرد به طور عمده بر ترازنامه تمرکز دارد. دارایی‌ها بر اساس خالص ارزش بازیافتنی با فرض اینکه مدیر قصد دارد آن‌ها را در فرایند عادی عملیات موسسه به فروش رساند، ارزیابی می‌شود (و نه اینکه فرض بر این باشد که قرار است دارایی‌ها در شرایط اضطراری فروخته شود). از این رو، این روش را تصفیه منظم نیز می‌نامند (چمبرز^{۱۶}، ۱۹۶۶). بدهی‌ها نیز همچون دارایی‌ها در این روش به شکلی مشابه و براساس مقادیری که برای پرداخت آن‌ها در تاریخ صورت‌های مالی لازم باشد ارزشیابی و گزارش می‌شود. مزیت اصلی این روش از دید طرفداران آن (از جمله استرلینگ و چمبرز) مربوط بودن داده‌های حاصل از آن است. بر اساس این رویکرد، ترازنامه به گزارشی از نقدینگی خالص موجود برای بنگاه در صورت تصفیه منظم تبدیل می‌شود. از این رو، این الگو قابلیت انطباق بنگاه (و یا توان تغییر وضعیت آن از وضع فعلی به وضعیت‌های متفاوت) را نشان می‌دهد (شرودر و همکاران، ۲۰۱۱).

یکی دیگر از امتیازات رویکرد ارزش خروجی قابلیت جمع‌پذیری بسیار مناسب آن است، زیرا تمامی ارزشیابی‌ها بر اساس یک تاریخ مشخص (تاریخ ترازنامه) گزارش می‌شود و ویژگی (خاصه) یکسانی را اندازه می‌گیرد که عبارت است از قیمت فروش دارایی‌ها و یا پرداخت بدهی‌ها. در مقابل، ایراد اصلی این سیستم از دید منتقدان آن با بحث مربوط بودن در ارتباط است. به این شکل که اندازه‌گیری‌ها یا ارزشیابی‌های مبتنی بر خالص ارزش بازیافتنی یا ارزش خروجی تا چه حد در رابطه با دارایی‌های ثابتی که بنگاه قصد فروش آن‌ها را ندارد ممکن است مفید باشد؟ (ولک و همکاران، ۲۰۱۳).

هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۳^{۱۷} و هیأت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا در بیانیه شماره ۱۵۷^{۱۸} ارزش منصفانه را به عنوان قیمتی تعریف می‌کنند که در تاریخ اندازه‌گیری، با فروش دارایی کسب می‌شود و با پرداخت بدهی منتقل می‌شود؛ به این ترتیب، هر دو هیأت رویکرد ارزش‌های خروجی را در اولویت قرار می‌دهند.

۲-۱- بهای تاریخی در مقابل ارزش منصفانه

منتقدان حسابداری بهای تاریخی بیان می‌کنند که صورت‌های مالی بر مبنای بهای تاریخی، وضعیت مالی و نتایج عملیات شرکت را به نحو درست ارائه نمی‌کند (هایجسون^{۱۹}، ۱۹۹۸). اغلب، ارزش دارایی‌ها و بدهی‌های مزبور هیچ‌گونه ارتباطی با ارزش بازار ندارد و این باعث می‌شود تا مدیران برای پنهان کردن عملکرد واقعی، سود گزارش شده را دستکاری کنند. حسابداری ارزش منصفانه بر عکس بهای تاریخی، ارزش جاری دارایی‌ها و بدهی‌ها را اندازه‌گیری و گزارش کرده و اطلاعات مربوطتری ارائه می‌کند. مدارک تجربی نیز نشان دهنده این است که ارزش‌های منصفانه نسبت به ارقام بهای تاریخی ارتباط بیش‌تری با بازده سهام دارد. گزارش ارزش منصفانه دارایی‌ها و بدهی‌ها در ترازنامه مورد توجه سهامداران است، آن‌ها از این اطلاعات برای تعیین تغییرات دوره‌ای حقوق خود در شرکت استفاده می‌کنند. هم‌چنین، حسابداری ارزش منصفانه اطلاعات کاملی را افشا کرده و شفافیت بیشتری دارد. به دلیل اینکه در حسابداری ارزش منصفانه، صورت سود و زیان، ارزش اقتصادی واقعی فعالیت‌های شرکت و ترازنامه، دارایی‌ها، بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام را به ارزش منصفانه منعکس می‌کند، می‌توان گفت این روش اطلاعات شفاف‌تری ارائه می‌کند (بارلو و حداد^{۲۰}، ۲۰۰۳).

هرچند مدافعان ارزش‌های منصفانه بر شفافیت و مربوط بودن اطلاعات حسابداری تأکید می‌کنند اما مدافعان بهای تاریخی بر قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری تأکید بیشتری دارند. با توجه به اینکه در روش بهای تاریخی تغییرات در ارزش منصفانه در سود منعکس نمی‌شود، پس سود محاسبه شده بر مبنای معاملات انجام شده و واقعی است و قابلیت اتکای بالایی دارد؛ اما باید به این نکته توجه کرد که حسابداری بهای تاریخی، قیمت‌های خرید دوره‌های زمانی مختلف (با قدرت خرید متفاوت) را با یکدیگر جمع می‌کند و تحت یک عنوان حساب در ترازنامه گزارش می‌کند. بهای تاریخی بدون ارائه تاریخ‌های خرید سودمند نیست، زیرا این امکان را فراهم نمی‌کند که استفاده‌کنندگان اطلاعات صورت‌های مالی، معادل پولی یا ارزش جاری ارقام گزارش شده در ترازنامه را تعیین کنند (کارول، لینسمیر و پترونی^{۲۱}، ۲۰۰۳). این در حالی است که برخی از مدافعان سیستم بهای تاریخی اعتقاد دارند که از دیدگاه سود و زیانی، در اغلب اوقات حسابداری بهای تاریخی نسبت به حسابداری ارزش‌های منصفانه، دارایی‌ها را به بهای منصفانه‌تری ارائه می‌کند، زیرا سود ناشی از بهای تاریخی کمتر دستکاری می‌شود؛ اما شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد سود و زیان بر مبنای حسابداری بهای تاریخی به وسیله زمانبندی فروش دارایی‌ها مدیریت می‌شود. دارایی‌هایی که به بهای تاریخی ثبت شده‌اند می‌توانند سود و زیان تحقق نیافته زیادی را

انباشت کنند. بنابراین، شرکت‌ها می‌توانند با زمانبندی شناسایی سود و زیان تحقق نیافته ناشی از نگهداری در سود گزارش شده هر دوره، سود را مدیریت کنند (دیتریچ^{۲۲} و همکاران، ۲۰۰۰).

شناسایی نکردن سود و زیان‌های تحقق نیافته در سیستم حسابداری بهای تاریخی، افزون بر فراهم آوردن فرصت مدیریت سود، بحث نگهداشت سرمایه را نیز با مشکلاتی مواجه می‌کند که شاید بتوان آن را شدیدترین آثار ناشی از نقاط ضعف سیستم بهای تاریخی نام برد. در اجرای حسابداری مبتنی بر بهای تاریخی، معمولاً سود در مقایسه با مبالغی که می‌توان بدون کاهش خالص دارایی‌های ابتدای دوره به سهامداران پرداخت کرد، بیش‌نمایی می‌شود. از این رو، بسیاری از سودهای تقسیمی دارای این ماهیت هستند که در واقع، دارایی‌های شرکت به پول نقد تبدیل می‌شوند و آن‌ها در سایه کسب سود به دست نمی‌آیند (پالی، ۲۰۱۴). منتقدین بهای تاریخی معتقدند که به دلیل اینکه این روش تنها به بهای تمام شده دارایی‌ها در زمان تحصیل توجه داشته و ارزش‌های جاری را مدنظر قرار نمی‌دهد، در زمان افزایش قیمت‌ها هزینه استهلاک کم‌تر از واقع گزارش می‌شود (سجادی و تاکر، ۱۳۸۹). به این ترتیب، کم‌نمایی هزینه استهلاک منجر به بیش‌نمایی سود و در نهایت فرسایش سرمایه می‌شود. به عبارت دیگر، در شرایط تورمی، سرمایه شرکت با قیمت‌های ثابت حفظ نمی‌شود و جایگزین کردن دارایی‌های شرکت به دلیل افزایش مداوم قیمت‌ها در عمل غیرممکن خواهد بود. بنابراین، در چنین شرایطی، قسمتی از سود تقسیم شده و مالیات پرداختی از محل سرمایه تأمین می‌شود (احمدپور و غلامی‌کیان، ۱۳۸۲). این در حالی است که طرفداران الگوی حسابداری ارزش‌های منصفانه معتقدند که این الگو با انطباق درآمدهای جاری با هزینه‌های جاری، سود را به شیوه واقع‌بینانه‌تری ارائه می‌دهد. بنابراین، در قالب چنین الگویی، انتظار می‌رود اطلاعاتی ارائه شود که سرمایه‌گذاران را در پیش‌بینی توانایی شرکت برای کسب جریان‌های نقدی از منابع فعلی شرکت یاری کند. بنابراین، الگوی حسابداری ارزش‌های منصفانه می‌تواند با ارائه اطلاعات بهای جاری، نامتقارنی اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه‌گذاران را کاهش دهد و به این ترتیب، باعث افزایش کیفیت اطلاعاتی شود (دمرجیان، وناوان و لارسون^{۲۳}، ۲۰۱۶).

۲-۲- مفاهیم نگهداشت سرمایه

بر اساس مفاهیم نگهداشت سرمایه، سود زمانی شناسایی می‌شود که سرمایه حفظ یا بهای تمام شده بازیافت شده باشد. تأکید و توجه مفهوم نگهداشت سرمایه به حفظ قدرت خرید و ظرفیت سرمایه منجر به این می‌شود که این مفهوم در حسابداری تورمی به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوع‌ها مورد توجه قرار گیرد. به گونه‌ای که نحوه طبقه‌بندی سود (زیان) نگهداشت در حسابداری تورمی وابسته به مفهوم نگهداشت سرمایه‌ای است که انتخاب می‌شود (الیوت^{۲۴} و الیوت، ۲۰۱۳). در

یک طبقه‌بندی کلی، مفاهیم نگهداشت سرمایه در قالب دو مفهوم نگهداشت سرمایه مالی^{۲۵} و نگهداشت سرمایه فیزیکی دسته‌بندی و سپس هریک از این دسته‌ها بر اساس واحد پول و قدرت خرید بیان می‌شود. بر این اساس، در ابتدا چهار مفهوم سرمایه ایجاد می‌شود که عبارت است از (بلکویی^{۲۶}، ۲۰۰۴):

(۱) سرمایه مالی: مقدار ارزش ویژه یک واحد تجاری بر حسب پول (در این مفهوم، به حفظ قدرت خرید و ظرفیت فیزیکی توجهی نمی‌شود و نیازی به تعدیل سرمایه نیست). مطابق با این مفهوم، سرمایه زمانی حفظ می‌شود که ارزش منابع مالی سرمایه در پایان دوره نسبت به ابتدای دوره تغییر نکرده باشد.

(۲) سرمایه مالی واقعی^{۲۷}: سرمایه مالی که بر حسب قدرت خرید محاسبه می‌شود (مفهوم مبتنی بر نظریه مالکیت^{۲۸}). در این دیدگاه، سود برابر است با تغییر در خالص دارایی‌هایی (پس از تعدیل بابت مبادلات مالکانه) که بر حسب واحد قدرت خرید عمومی بیان می‌شود.

(۳) سرمایه مبتنی بر ظرفیت عملیاتی^{۲۹} (سرمایه فیزیکی): توانایی واحد تجاری برای حفظ قدرت خود به منظور فراهم کردن کالاها و خدمات (مفهوم مبتنی بر شخصیت^{۳۰}). در این مفهوم، فرض بر این است که سرمایه در صورتی حفظ می‌شود که شرکت قادر به جایگزینی دارایی خود با دارایی دیگری از همان نوع باشد یا اینکه شرکت قادر باشد ظرفیت تولید را با عرضه میزان ثابتی از کالاها و خدمات حفظ کند. مفهوم نگهداشت سرمایه فیزیکی مبتنی بر الگوی گزارشگری ارزش‌های جاری است و بر اساس آن، دارایی و بدهی‌ها در صورت‌های مالی به ارزش‌های جاری گزارش می‌شود (ویتینگتون، ۲۰۱۷).

(۴) سرمایه مبتنی بر ظرفیت عملیاتی واقعی^{۳۱}: سرمایه فیزیکی که بر حسب قدرت خرید محاسبه می‌شود. الگوی مورد استفاده در این مفهوم، الگوی گزارشگری ارزش‌های جاری است که بر اساس قدرت خرید عمومی تعدیل شده باشد.

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱- پژوهش‌های داخلی

در ایران در مقایسه با برخی زمینه‌های دیگر حسابداری نظیر هموارسازی سود، مدیریت سود، محافظه‌کاری و یا کیفیت سود، پژوهش‌چندانی در زمینه اثر تورم و تغییر قیمت‌ها بر اطلاعات الگوی حسابداری بهای تاریخی و به‌کارگیری جایگزین‌های موجود برای این الگو انجام نشده است. اولین پژوهش‌های انجام شده در زمینه حسابداری تورمی شامل رویایی (۱۳۷۱)، ساسانی (۱۳۷۵)، عامری (۱۳۷۶)، ستایش (۱۳۸۰)، شهرضایی (۱۳۸۱) و غلامی‌کیان (۱۳۸۲) است که به بررسی

موضوع کلی «تأثیر تورم (صورت‌های مالی همگن شده بر اساس تورم) بر تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی» پرداختند. طبق یافته‌های رویایی (۱۳۷۱)، عامری (۱۳۷۶)، ستایش (۱۳۸۰)، شهرزایی (۱۳۸۱) و غلامی‌کیان (۱۳۸۲)، هیچ‌گونه اختلاف آماری بین تصمیم‌افراد بر اساس صورت‌های مالی تعدیل شده بر اساس تورم و صورت‌های مالی بهای تاریخی وجود نداشته است. در واقع، نتایج پژوهش آنان نشان داد که تعدیل صورت‌های مالی بر اساس شاخص سطح عمومی قیمت‌ها بر قیمت سهام و تصمیم سرمایه‌گذاران تأثیری نداشته است اما نتایج پژوهش ساسانی (۱۳۷۵) نشان داد در شرایط خاصی، صورت‌های مالی تعدیل شده بر اساس شاخص عمومی قیمت‌ها بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأثیر داشته است. پس از این موارد، پژوهش‌های انجام شده بعدی در ایران در زمینه حسابداری تورمی به مباحثی هم‌چون رابطه بین اطلاعات حسابداری تورمی و سایر اطلاعات مالی، دیدگاه افراد در رابطه با به‌کارگیری حسابداری تورمی، موانع به‌کارگیری حسابداری تورمی و ارائه الگوی حسابداری تورمی پرداختند.

مجتهدزاده و امامی (۱۳۸۹) در پژوهشی به مقایسه میزان خطای الگوی قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای با الگوی تعدیل شده برای شرایط تورمی در پیش‌بینی بازده سهام ۷۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۸۲ پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که الگوی تعدیل شده از نظر برآورد بازده دارایی، ضریب خطای کمتری دارد و وجود عامل تورم در این الگو، میزان دقت آن را نسبت به الگوی قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای به شکل معنی‌داری افزایش می‌دهد. هم‌چنین، بر اساس نتایج پژوهش مجتهدزاده و امامی، در شرایط تورمی در صورت وجود همبستگی مثبت بین نرخ بازده پرتفوی بازار و نرخ تورم، مقدار قیمت بازاری ریسک در الگوی قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای نسبت به الگوی تعدیل شده کمتر می‌شود.

هوشنگی (۱۳۹۱) به بررسی نقش محتوای اطلاعاتی داده‌های تعدیل شده بر اساس تورم در تبیین ارزش و بازده سهام ۸۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۸۹ پرداخت. در این پژوهش ارتباط ارزشی ارزش دفتری و عایدات تعدیل شده بر اساس تورم و مبتنی بر بهای تاریخی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون‌های آماری نشان داد که ارزش‌های دفتری و عایدات هر دو روش (یعنی تعدیل شده بر اساس تورم و تاریخی) به شکل معناداری دارای ارتباط ارزشی است اما قدرت توضیح‌دهندگی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در قالب نتایج رگرسیون نشانگر این موضوع بود که اطلاعات بهای تاریخی نسبت به اطلاعات تعدیل شده بر اساس تورم دارای ارتباط ارزشی بیشتری است.

تاجیک (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به ارائه الگوی مناسب برای گزارشگری آثار تورم در ایران

پرداخت. وی در پژوهش خود از طریق مصاحبه و بر اساس تحلیل تم‌های حاصل از گفتگو با ۲۲ نفر متخصص و تکمیل ۸۳ پرسش‌نامه به وسیله آزمودنی‌ها، الگویی برای گزارشگری آثار تورم در ایران پیشنهاد کرد. در الگوی پیشنهادی تاجیک، مبنای مناسب برای ارزشیابی، تعدیل با شاخص عمومی تورم و مبنای مناسب برای نگهداشت سرمایه نیز تعدیل سرمایه با شاخص عمومی تورم است. همچنین، پیشنهادهای دیگر پژوهش مزبور مبنی بر محاسبه و افشای سود حاصل از بدهی‌های غیرجاری و گزارش ارزش جاری زمین و ساختمان نیز تأیید شد.

جلیلی و منتقمی (۱۳۹۴) به تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی تورمی مبتنی بر رویکردهای حسابداری مدیریت پرداختند. در این راستا، آنان باهدف بررسی آثار تورم برنسبت‌های مالی شرکت‌ها، ۱۲ نسبت مالی ۳۸ شرکت تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را برای ۵ سال (بازه زمانی ۱۳۸۷-۱۳۹۱) استخراج و سپس، کلیه صورت‌های مالی مذکور را بر حسب شاخص سطح عمومی قیمت‌ها (شاخص تورم)، تعدیل و گروه دوم نسبت‌ها را بر مبنای بهای تاریخی همگن محاسبه کردند. یافته‌های پژوهش جلیلی و منتقمی حاکی از این بود که تورم تأثیر انکارناپذیری بر صورت‌های مالی تهیه شده بر مبنای بهای تاریخی دارد. نتایج مقایسه دو گروه اقلام تاریخی و همگن نشان داد که بین نسبت‌های مالی محاسبه شده براساس بهای تاریخی درمقایسه بانسبت‌های محاسبه شده بر اساس صورت‌های مالی تعدیل شده، تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، برای نسبت‌های سریع، گردش موجودی کالا و گردش جاری تفاوت معناداری مشاهده نشد.

حجازی و میهمی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی دیدگاه‌های متفاوت در تأثیر پذیرش استاندارد حسابداری ارزش منصفانه بر سود حسابداری پرداختند. آنان برای این منظور دیدگاه‌های ۴۸ نفر از دانشجویان، ۴۷ نفر از اعضای انجمن حساب‌برسان داخلی، ۳۸ نفر از مدیران مالی شرکت‌های تولیدی و ۲۰ نفر از تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری را مورد مطالعه قرار دادند. براساس یافته‌های این پژوهش، بین دیدگاه مدیران مالی بادیگاه سایر نمونه‌ها تفاوت وجود دارد اما بین دیدگاه دانشجویان و حساب‌برسان داخلی تفاوتی وجود ندارد. همچنین، نتایج پژوهش نشان دهنده این است که بین دیدگاه تدوین‌کنندگان استاندارد و دانشجویان تفاوت وجود ندارد اما بین دیدگاه حساب‌برسان داخلی و تدوین‌کنندگان استاندارد تفاوت وجود دارد.

رحمانی و طاهری (۱۳۹۶) با مطالعه نمونه‌ای شامل ۲۳ بانک ایرانی در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۸۶ به بررسی اثر ارزش منصفانه و بهای تمام شده تاریخی بر زیان اعتباری شبکه بانکی ایران پرداختند. بر اساس نتایج این پژوهش، در شبکه بانکی ایران ارزش منصفانه تسهیلات نسبت به بهای تمام شده آن برتری ندارد. همچنین، بهای تمام شده توان توضیحی بیشتری در ارتباط با

زبان اعتباری بانک دارد.

گل محمدی و رحمانی (۱۳۹۷) در پژوهشی پیمایشی به بررسی و شناسایی چالش‌های فنی به کارگیری ارزش منصفانه در گزارشگری مالی ایران پرداختند. بر اساس یافته‌های پژوهش آنان، دیدگاه خبرگان حرفه در ایران نسبت به الگوی ارزش منصفانه مثبت است اما چالش‌های فنی شناسایی شده در خصوص اندازه‌گیری و افشای ارزش منصفانه موجب می‌شود که پذیرش الگوی ارزش منصفانه و به‌کارگیری گسترده آن در عمل چالش‌انگیز شود. هم‌چنین، نتایج پژوهش گل محمدی و رحمانی نشان داد که باوجود ارزیابی مثبت خبرگان حرفه از کمیت و کیفیت الزامات افشای استاندارد بین‌المللی ۱۳، اثربخشی گزارشگری مالی مبتنی بر ارزش منصفانه در ایران از بعد ارزیابی وظیفه‌مباشرت و کارایی آن از دیدگاه استفاده‌کنندگان از اطلاعات بحث‌برانگیز است.

مرادی، جعفری‌دره‌در و حسین‌زاده (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود به ارائه چالش‌ها و فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه در راستای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که محیط اقتصادی، آموزش، ورودی‌های اندازه‌گیری، حسابرسی ارزش‌های منصفانه و مقاومت، چالش‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه هستند و صحت اطلاعات حسابداری، شفافیت و همسان‌سازی، فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه بودند.

۳-۲- پژوهش‌های خارجی

کوردیا و شیواکومار^{۳۲} (۲۰۰۵) اثر تورم توهمی را بر جریان تدریجی پس از اعلام سود را برای نمونه‌ای متشکل از ۱۸۳ شرکت آمریکایی در بازه زمانی ۲۰۰۳-۱۹۷۱ بررسی کردند. آنان در ابتدا شرکت‌ها را بر اساس سود غیرمنتظره دسته‌بندی و اثر تورم را با توجه به سود غیرمنتظره آزمون کردند. نتایج پژوهش کوردیا و شیواکومار حاکی از این بود که حساسیت سود شرکت به تورم بر اساس نوع دسته‌بندی آن متفاوت است. هم‌چنین، در شرکت‌هایی که سود غیرمنتظره بالاتر است، رشد سود و بازده آتی با نرخ تورم گذشته رابطه مثبت دارد. افزون بر این، آنان نشان دادند که برآورد کمتر از حد اثر تورم بر رشد سود آتی منجر به جریان تدریجی پس از اعلام سود می‌شود.

مولر، ریدل و سل‌هورن^{۳۳} (۲۰۰۸) با مطالعه نمونه‌ای شامل ۷۷ شرکت اتحادیه اروپا در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶، به بررسی ویژگی شرکت‌هایی پرداختند که دارای‌های مشهود خود را بر اساس الگوی ارزش منصفانه افشا می‌کردند. بر اساس مطالعه آنان، در کشورهایی که از لحاظ قوانین و مقررات در سطح ضعیف‌تر و از لحاظ فساد مالی در سطح بالاتری قرار دارند، افشای کمتری در رابطه با ارزش منصفانه انجام می‌شود. نتایج این مطالعه در سطح شرکت‌ها حاکی از این بود که در

شرکت‌های دارای تعهد بیشتر به شفافیت گزارشگری مالی و همچنین، در شرکت‌های دارای مالکیت غیرمتمرکزتر، تمایل بیشتری به افشای ارزش منصفانه وجود دارد. افزون بر این، مولر و همکاران شواهدی ارائه دادند که بر اساس آندر شرکت‌هایی که ارزش منصفانه دارایی‌های مشهود ارائه می‌شد، نامتقارنی اطلاعات کمتر بود.

کومارسری و فیشر^{۳۴} (۲۰۱۱) در پژوهشی، مباحث و مشکلات پیشروی حسابرسان در حسابرسی اندازه‌گیری‌های ارزش منصفانه را در کشورهای در حال توسعه (مورد سریلانکا) بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که حسابرسان نسبت به سودمندی اطلاعات ارزش منصفانه دیدگاه مثبت دارند. همچنین، چالش‌های حسابرسی ارزش منصفانه از نظر پاسخ‌دهندگان عبارت بود از: نبود دانش فنی، نبود بازارهای فعال در کشورهای در حال توسعه، تنوع روش‌های مورد استفاده در تأیید ارزش منصفانه در بین صنایع مختلف و پیچیدگی‌های کلی در تأیید داده‌های ارزش منصفانه.

لیائو، کانگ، موریس و تانگ^{۳۵} (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر اندازه‌گیری ارزش منصفانه خالص دارایی‌ها بر نامتقارنی اطلاعات ۳۵۷ شرکت آمریکایی در بازه زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۷ پرداختند. شواهد حاصل از پژوهش آنان حاکی از این بود که استاندارد شماره ۱۵۷ منجر به کاهش نامتقارنی اطلاعات می‌شود و میزان آن بستگی به سطوح ارزش منصفانه در این استاندارد دارد. به این ترتیب که در سطح ۱ (شفاف‌ترین ورودی‌ها در ارزشیابی)، کم‌ترین میزان نامتقارنی اطلاعات و در سطح ۳ (پایین‌ترین عینیت)، بیش‌ترین میزان نامتقارنی اطلاعات وجود دارد.

گرینر^{۳۶} (۲۰۱۵) در پژوهشی به مقایسه انگیزه‌های مدیریت سرمایه در بین ۲۲۳ بانک شیکاگویی استفاده‌کننده از ارزش منصفانه نسبت به سایر بانک‌ها در بازه زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۲ پرداختند. بر اساس استانداردهای حسابداری شیکاگو، بانک‌های استفاده‌کننده ارزش منصفانه اجازه دارند تا سود تحقق‌نیافته اوراق آماده برای فروش را در سود جاری گزارش کنند اما سایر بانک‌ها برای شناسایی این سود باید این اوراق را بفروشند. یافته‌های پژوهش گرینر نشان داد که بانک‌های دارای سود ارزش منصفانه (بانک‌های استفاده‌کننده ارزش منصفانه)، انگیزه کم‌تری برای مدیریت سرمایه دارند.

سیکالدیس و لونتیس^{۳۷} (۲۰۱۶) تأثیر سودهای تحقق‌نیافته ناشی از حسابداری ارزش منصفانه بر سیاست تقسیم سود شرکت را برای نمونه‌ای شامل ۶۹۳ شرکت یونانی در بازه زمانی ۲۰۰۶-۲۰۱۲ بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان بیانگر این بود که تعدیلات ارزش منصفانه دارایی‌های ثابت مشهود، دارای آثار سود و زیانی پایدار است؛ در حالی که آثار سود و زیانی این تعدیلات در مورد اوراق بهادار (دارایی‌های مالی) ناپایدار و موقت است. همچنین، سیکالدیس و لونتیس بر اساس

یافته‌های پژوهش خود نشان دادند که شرکت‌هایی که دارایی ثابت مشهود بیشتری دارند، نسبت به سایر شرکت‌ها سود بیشتری توزیع می‌کنند.

بیک، آرلوا و سان^{۳۸} (۲۰۱۸) رابطه بین سطح وجه نقد نگهداری شده شرکت و اطلاعات ارزش منصفانه را برای نمونه‌ای شامل ۵۶۸۲ شرکت آمریکایی در بازه زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۸ بررسی کردند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که بین ورودی‌های ارزش منصفانه (به ویژه ورودی‌های سطح‌های ۱ و ۲) با سطح وجه نقد نگهداری شده شرکت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بر اساس استدلال بیک و همکاران، افزایش استفاده از ارزش منصفانه علی‌رغم اینکه مربوط بودن اطلاعات را افزایش می‌دهد اما باعث کاهش قابلیت اتکای ارقام حسابداری و افزایش تضاد نمایندگی می‌شود.

ورگاو و گارمینک^{۳۹} (۲۰۱۹) تأثیر افشای اطلاعات مربوط به اندازه‌گیری ارزش منصفانه بر نامتقارنی اطلاعاتی را برای نمونه‌ای شامل ۵۴۴ شرکت اروپایی در بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۷ بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان بیانگر این بود که افشای اطلاعات ارزش منصفانه باعث کاهش نامتقارنی اطلاعاتی می‌شود. به عبارت دیگر، بر اساس نتایج پژوهش مزبور، بین افشای اطلاعات ارزش منصفانه و شکاف قیمت خرید و فروش (معیار نامتقارنی اطلاعاتی) رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، ورگاو و گارمینک بر اساس یافته‌های پژوهش خود نشان دادند در شرکت‌هایی که اطلاعات بیشتری در رابطه با اندازه‌گیری ارزش منصفانه ارائه می‌شود، برآوردهای ارزش منصفانه دقیق‌تر و نامتقارنی اطلاعاتی کمتر است.

بررسی پژوهش‌های گذشته در خارج از کشور در زمینه الگوی گزارشگری ارزش‌های جاری حاکی از آن است که عمده این مطالعات بر روی اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه و اهمیت و سودمندی آن در زمینه‌های مختلف تأکید داشته‌اند. پژوهش‌های داخلی نیز همسو با روند مطالعات خارجی اهمیت و سودمندی اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه در ایران را مورد مطالعه قرار داده‌اند. تقریباً تمام این مطالعات به مربوط بودن اطلاعات حسابداری ارزش‌های منصفانه اشاره کرده‌اند؛ با این حال، اکثر پژوهش‌های پیشین، به‌ویژه پژوهش‌های داخلی، تنها به بررسی سودمندی ارائه اطلاعات حسابداری ارزش‌های منصفانه برای گروه‌های خاصی از اقلام قابل گزارش در صورت‌های مالی (به‌عنوان مثال، اوراق بهادار) پرداخته‌اند. در حالی که این پژوهش‌ها به ارائه الگویی کاربردی برای گزارشگری اقلام مختلف صورت‌های مالی مبتنی بر ارزش‌های جاری و اهمیت این موضوع برای هر یک از اقلام صورت‌های مالی نپرداخته‌اند؛ موضوعی که در اقتصادهای دارای تورم بالا، مشابه ایران، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بنابراین، می‌توان نقطه قوت و متمایزکننده

پژوهش حاضر و نوآوری آن را در دید جامع این مطالعه نسبت به گزارشگری ارزش‌های جاری و ارائه الگویی کاربردی در این خصوص عنوان کرد.

۴- سؤال‌های پژوهش

پژوهش حاضر، در پی یافتن پاسخ برای سؤال‌های زیر به منظور تدوین الگوی مفهومی اندازه‌گیری ارزش‌های جاری است:

- ۱) آیا الگوی بهای تاریخی دارای کارایی لازم برای باقی ماندن تحت شرایط فعلی ایران است؟
- ۲) آیا الگوی گزارشگری ارزش‌های جاری، برای گزارشگری در ایران مناسب است؟
- ۳) رویکرد مناسب برای اندازه‌گیری ارزش جاری در ایران چه رویکردی است (ارزش ورودی، ارزش خروجی یا ارزش فعلی جریان‌های نقد آتی)؟
- ۴) در رابطه با کدام یک از اقلام صورت‌های مالی ضرورت بیشتری برای گزارشگری ارزش جاری وجود دارد؟
- ۵) نحوه برخورد مناسب با تغییرات ارزش‌های جاری به عنوان سود یا زیان به چه صورت خواهد بود؟
- ۶) آیا نیازی به ارائه هم‌زمان اطلاعات الگوی بهای تاریخی و ارزش‌های جاری وجود دارد؟

۵- روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف پژوهشی کاربردی است؛ به این معنا که این پژوهش در پی ارائه رهنمودهایی به منظور انجام اقدامات اصلاحی به خط‌مشی‌گذاران است و یافته‌های حاصل از آن را می‌توان به طور مستقیم برای حل مشکلات موجود به کار برد. از سوی دیگر، با توجه به دانش‌افزایی به منظور استفاده بیشتر از مفاهیم و روش‌های حسابداری ارزش‌های جاری، این پژوهش جهت‌گیری توسعه‌ای نیز دارد.

۵-۱- روش گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. در بخش کتابخانه‌ای، مبانی نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و انگلیسی استخراج شده است. در بخش میدانی پژوهش، داده‌های مورد نیاز از طریق طراحی و توزیع پرسش‌نامه گردآوری شد. هم‌چنین، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ استفاده شد.

پرسش‌نامه مربوط به پژوهش حاضر شامل دو بخش است. بخش نخست به پرسش‌های عمومی در رابطه با ویژگی‌های فردی و محیطی آزمودنی‌ها اختصاص دارد و بخش دوم شامل ۳۵ پرسش تخصصی در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای است.

در این پژوهش به منظور حصول اطمینان از روایی، سؤال‌های پرسش‌نامه بانظر تعدادی از صاحب‌نظران در این زمینه طراحی و در چندین مرحله اصلاح و بازبینی شده است. هم‌چنین، در برآورد پایایی پرسش‌نامه پژوهش حاضر از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. به این منظور در ابتدا تعداد ۳۰ عدد پرسش‌نامه بین تعدادی از افراد نمونه آماری انتخاب شده به صورت تصادفی توزیع شد. بر اساس نتایج آزمون، ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ شد و این موضوع بیانگر ثبات نتایج اندازه‌گیری ابزار پژوهش است.

بر اساس قضیه حد مرکزی، در صورتی که اندازه نمونه به اندازه کافی بزرگ باشد (بیش از ۳۰)، توزیع داده‌ها از توزیع نرمال تبعیت می‌کند (آذر و مؤمنی، ۱۳۹۷). بنابراین، در این پژوهش تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون سؤال‌ها با استفاده از آزمون t یک‌نمونه‌ای، آزمون t دونمونه‌ای گروه‌های وابسته و آزمون χ^2 دو انجام شده است. لازم به ذکر است، اگرچه آزمون χ^2 دو یک آزمون ناپارامتریک محسوب می‌شود اما به دلیل اینکه برای آن معادل پارامتریک وجود ندارد، از این آزمون استفاده شده است.

۵-۲- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش عبارت است از: استاندارداران حسابداری، اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها در رشته حسابداری و دانشجویان و دانش‌آموختگان مقطع دکتری این رشته، مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و حسابداران رسمی شاغل عضو جامعه حسابداران رسمی ایران. بر این اساس و با عنایت به این‌که تاریخ مراجعه به جامعه آماری پژوهش در آبان ماه سال ۱۳۹۷ شمسی بوده است، اطلاعات مربوط به جامعه، نمونه آماری (با استفاده از رابطه کوکران) و تعداد پرسش‌نامه جمع‌آوری شده به شرح جدول زیر است. لازم به ذکر است که با توجه به به تعداد پرسش‌نامه‌های ارسالی، نرخ مشارکت در تکمیل ابزار پژوهش در حدود ۶۶ درصد است؛ اگرچه در رابطه با معیار نرخ مشارکت مطلوب و قابل‌اتکا عدد مورد توافقی وجود ندارد اما با استناد به پژوهش‌هایی هم‌چون کوک، هید و تامپسون^{۴۰} (۲۰۰۰) و بالانتین^{۴۱} (۲۰۰۳)، چون نرخ مشارکت پرسش‌نامه بالاتر از ۵۵ درصد است، در نتیجه نرخ مناسبی به نظر می‌رسد.

جدول ۱- اطلاعات مربوط به جامعه و نمونه پژوهش

ردیف	طبقه	تعداد جامعه	تعداد نمونه	تعداد پرسش نامه جمع آوری شده
۱	استانداردگذاران حسابداری	۱۶	۱۶	۶
۲	اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها	۱۸۴	۱۸۴	۱۰۷
۳	مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران	۶۵۴	۲۴۲	۲۲۴
۴	حسابداران رسمی شاغل عضو جامعه حسابداران رسمی ایران	۱۵۲۷	۳۰۷	۲۱۰
۵	دانشجویان و دانش‌آموختگان مقطع دکتری نامشخص*		۳۸۴	۲۱۲
جمع			۱۱۳۳	۷۵۹

* با توجه به اینکه آمار رسمی از تعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان مقطع دکتری وجود ندارد، تعداد جامعه آماری این طبقه نامشخص فرض شده است.

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- آمار توصیفی

جدول شماره ۲ ویژگی‌های عمومی آزمودنی‌ها شامل جنسیت، سطح تحصیلات، سابقه کاری و سن آنان را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مزبور مشاهده می‌شود، ۸۰ درصد آزمودنی‌ها مرد و ۲۰ درصد زن هستند. سابقه کاری حدود ۶۶ درصد آزمودنی‌ها بیش از ۱۰ سال، سطح تحصیلات حدود ۸۷ درصد آزمودنی‌ها کارشناسی ارشد و بالاتر و سن بیش از ۷۶ درصد آن‌ها بالاتر از ۳۶ سال است. این ویژگی‌ها نشان دهنده توانایی بالای آزمودنی‌ها برای پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه است.

جدول ۲- ویژگی‌های عمومی پاسخ‌دهندگان

ویژگی	تعداد	درصد	ویژگی	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۵۵۹	کارشناسی	۹۰	۱۲/۹
	زن	۱۳۸	کارشناسی ارشد	۱۶۱	۲۳/۱
سابقه کاری	کمتر از ۵ سال	۱۲۱	دانشجوی دکتری	۲۱۹	۳۱/۴
	بین ۶ تا ۱۰ سال	۱۱۳	دکتری	۲۲۷	۳۲/۶
	بین ۱۱ تا ۱۵ سال	۱۱۳	بین ۲۵ تا ۳۵ سال	۱۶۸	۲۴/۱
	بین ۱۶ تا ۲۰ سال	۱۸۲	بین ۳۶ تا ۴۵ سال	۲۵۲	۳۶/۲
			بین ۴۶ تا ۵۵ سال	۱۸۸	۲۷
			بیش از ۵۵ سال	۸۹	۱۲/۸

منبع: یافته‌های پژوهشگر

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی
شماره ۴۸/ زمستان ۱۳۹۹

۲-۶- آمار استنباطی

۱-۲-۶- نتایج آزمون سؤال اول پژوهش

در سؤال اول پژوهش به این موضوع پرداخته شد که «آیا الگوی بهای تاریخی دارای کارایی لازم برای باقی ماندن تحت شرایط فعلی ایران است؟». جدول شماره ۳ نتایج مرتبط با این سؤال را نشان می‌دهد. طبق اطلاعات جدول مزبور، تعداد ۶۹۷ نفر در مورد این سؤال پژوهش آزمون شده‌اند که میانگین پاسخ‌های آزمودنی‌ها به گزاره‌های این سؤال ۳/۹۱۸ و دارای انحراف معیار ۰/۵۹۵ است که این میزان کم انحراف نشان می‌دهد پاسخ‌های این ۶۹۷ نفر به گزاره‌های سؤال اول بسیار به هم نزدیک است و به‌طور متوسط به گزاره‌های این سؤال جواب‌های ۳، ۴ و ۵ داده‌اند.

جدول ۳- نتایج آزمون سؤال اول پژوهش

ارزش مورد آزمون = ۳					
فاصله اطمینان ۰/۹۵ برای تفاضل میانگین		تفاضل میانگین	احتمال معناداری (یک طرفه)	درجه آزادی	آماره t
کران بالا	کران پایین	۰/۹۱۸۶۹۹۲	۰/۰۰۰۵	۶۹۶	۴۰/۷۱۸
۰/۶۹۲۹۹۷	۰/۸۷۴۴۰۱				
انحراف معیار		۳/۹۱۸	میانگین	۶۹۷	تعداد

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول شماره ۳، سطح معناداری آماره t نشان‌دهنده معنادار بودن تفاوت بین میانگین پاسخ آزمودنی‌ها و ارزش مورد آزمون (عدد ۳) است. همچنین، با توجه به آمار توصیفی مندرج در جدول مزبور، میانگین پاسخ‌های آزمودنی‌ها به گزاره‌های این سؤال بیشتر از ۳ است. این موضوع بیانگر این است که از نظر آزمودنی‌ها، الگوی بهای تاریخی برای باقی ماندن تحت شرایط فعلی ایران کارایی لازم را ندارد.

۲-۲-۶- نتایج آزمون سؤال دوم پژوهش

«آیا الگوی گزارشگری ارزش‌های جاری، مناسب برای گزارشگری در ایران است؟» جدول شماره ۴ نتایج آزمون مرتبط با گزاره‌های مربوط به سؤال دوم را ارائه کرده است. طبق اطلاعات جدول مزبور میانگین پاسخ‌های آزمودنی‌ها به این گزاره‌ها ۳/۶۸۸ و دارای انحراف معیار ۰/۶۸۶ است.

جدول ۴- نتایج آزمون سؤال دوم پژوهش

ارزش مورد آزمون = ۳					
آماره t	درجه آزادی	احتمال معناداری (یک طرفه)	تفاضل میانگین	فاصله اطمینان ۰/۹۵ برای تفاضل میانگین	
۲۶/۴۷۹	۶۹۶	۰/۰۰۰۵	۰/۶۸۸۰۹۱۸	کران پایین	کران بالا
				۰/۶۳۷۰۷۱	۰/۷۳۹۱۱۳
تعداد	۶۹۷	میانگین	۳/۶۸۸	انحراف معیار	
				۰/۶۸۶	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول شماره ۴، سطح معناداری آماره t نشان‌دهنده معنادار بودن تفاوت بین میانگین پاسخ آزمودنی‌ها و ارزش مورد آزمون (عدد ۳) است. همچنین، با توجه به آمار توصیفی مندرج در جدول مزبور، میانگین پاسخ‌های آزمودنی‌ها به این گزاره‌ها بیشتر از ۳ است و این موضوع بیانگر این است که بر اساس نظر آزمودنی‌ها، الگوی ارزش‌های جاری، الگویی مناسب برای گزارشگری در ایران است.

۶-۲-۳- نتایج آزمون سؤال سوم پژوهش

«رویکرد مناسب برای اندازه‌گیری ارزش جاری در ایران چه رویکردی است (ارزش‌های ورودی، ارزش‌های خروجی یا ارزش فعلی)؟»

جدول شماره ۵ نتایج مرتبط با آزمون سؤال سوم را نشان می‌دهد. طبق اطلاعات جدول مزبور و با توجه به احتمال معناداری آماره χ^2 دو در خصوص تعیین رویکرد مناسب برای اندازه‌گیری ارزش جاری در ایران، ارزش خروجی رتبه اول، ارزش ورودی رتبه دوم و ارزش فعلی جریان‌های نقدی آینده رتبه سوم را به خود اختصاص داده است.

جدول ۵- نتایج آزمون سؤال سوم پژوهش

رتبه	فراوانی	ارزش ورودی	ارزش خروجی	ارزش فعلی جریان-های نقدی آینده
اول	فراوانی مشاهده شده	۱۳۶	۳۸۳	۱۷۸
	فراوانی مورد انتظار	۲۳۲/۳	۲۳۲/۳	۲۳۲/۳
دوم	فراوانی مشاهده شده	۲۹۴	۱۵۴	۲۴۹
	فراوانی مورد انتظار	۲۳۲/۳	۲۳۲/۳	۲۳۲/۳
سوم	فراوانی مشاهده شده	۲۶۷	۱۶۰	۲۷۰

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی
شماره ۴۸/ زمستان ۱۳۹۹

ارزش فعلی جریان- های نقدی آینده	ارزش خروجی	ارزش ورودی	فراوانی	رتبه
۲۳۲/۳	۲۳۲/۳	۲۳۲/۳	فراوانی مورد انتظار	
۲۰/۰۰۹	۱۴۶/۶۳۷	۶۱/۴۸۴	آماره خی‌دو	
۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۵	احتمال معناداری	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶-۲-۴- نتایج آزمون سؤال چهارم پژوهش

«در رابطه با کدام یک از اقلام صورت‌های مالی ضرورت بیشتری برای گزارشگری ارزش جاری وجود دارد؟»

نتایج مرتبط با آزمون سؤال چهارم در جدول شماره ۶ ارائه شده است. طبق اطلاعات جدول مزبور، میانگین پاسخ‌ها برای همه اقلام مورد آزمون بیشتر از عدد ۳ است. انحراف معیار هر یک از این موارد نشان از دقت بالای پاسخ‌های آزمودنی‌ها به این گزاره بوده است. میزان آماره t و احتمال معناداری آن نشان‌دهنده آن است که پاسخ‌های آزمودنی‌ها به‌طور معناداری با ارزش مورد آزمون (عدد ۳) متفاوت است. به بیان دقیق‌تر، ضرورت گزارش ارزش جاری هریک از اقلام صورت وضعیت مالی به ترتیب عبارت است از: ماشین‌آلات و تجهیزات، ابزارهای مالی، زمین، ساختمان، دارایی‌های نامشهود، موجودی مواد و کالا و بدهی‌های غیرجاری.

جدول ۶- نتایج آزمون سؤال چهارم پژوهش

اقلام صورت وضعیت مالی	میانگین	انحراف معیار	آماره t	احتمال معناداری
ابزارهای مالی	۴/۰۱۸	۰/۹۰۲	۲۹/۸۰۲	۰/۰۰۰۵
موجودی مواد و کالا	۳/۷۷	۱/۱۷۱	۱۷/۳۶۲	۰/۰۰۰۵
ماشین‌آلات و تجهیزات	۴/۲۵۲	۱/۰۷	۳۰/۸۹	۰/۰۰۰۵
زمین	۳/۹۳۴	۱/۲۲۷	۲۰/۰۸۶	۰/۰۰۰۵
ساختمان	۳/۹۲۸	۱/۰۴۹	۲۳/۳۵۴	۰/۰۰۰۵
دارایی‌های نامشهود	۳/۸۶	۱/۰۴۵	۲۱/۷۲۷	۰/۰۰۰۵
بدهی‌های غیرجاری	۳/۲۹۱	۱/۰۵۵	۷/۲۸۳	۰/۰۰۰۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶-۲-۵- نتایج آزمون سؤال پنجم پژوهش

«نحوه برخورد مناسب با تغییرات ارزش‌های جاری به عنوان سود یا زیان به چه صورت خواهد بود؟»

جدول‌های شماره‌های ۷ و ۸ نتایج مرتبط با آزمون سؤال پنجم پژوهش را نشان می‌دهد. به نحوی که در جدول شماره ۷ نتایج آزمون مرتبط با نحوه اقدام مناسب در رابطه با شناسایی سود و زیان نگهداشت سرمایه ارائه شده است. طبق اطلاعات جدول مزبور، فراوانی مشاهده شده و احتمال معناداری آماره خی دو است که از این است که اقدام مناسب در خصوص سود و زیان نگهداشت سرمایه، شناسایی در صورت سود و زیان دوره یا صورت سود و زیان جامع است.

جدول ۷- نتایج آزمون سؤال پنجم پژوهش

احتمال معناداری	آماره خی دو	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده	نحوه اقدام مناسب در رابطه با شناسایی سود و زیان نگهداشت سرمایه
۰/۰۰۰۵	۱۱۷/۳۹۵	۲۳۲/۳	۳۶۷	سود و زیان ناشی از نگهداشت سرمایه باید شناسایی و در صورت سود و زیان دوره یا صورت سود و زیان جامع ارائه شود.
		۲۳۲/۳	۱۵۹	نیازی به شناسایی سود و زیان نگهداشت سرمایه نیست و ارائه آن در یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی کفایت می‌کند.
		۲۳۲/۳	۱۷۱	سود و زیان نگهداشت سرمایه اهمیت زیادی ندارد و نیازی به شناسایی و گزارش آن نیست.

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در جدول شماره ۸ به آزمون این گزاره پرداخته شده است: «با فرض نیاز به شناسایی و گزارش سود و زیان نگهداشت سرمایه (انتخاب گزینه الف در سؤال قبل)، این رقم باید در صورت سود و زیان دوره شناسایی شود یا در صورت سود و زیان جامع». طبق اطلاعات جدول مزبور، میانگین پاسخ‌ها به این گزاره ۲/۳۶۴ و دارای انحراف معیار ۱/۰۵۱ است.

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول شماره ۸، سطح معناداری آماره t نشان‌دهنده معنادار بودن تفاوت بین میانگین پاسخ آزمودنی‌ها و ارزش مورد آزمون (عدد ۳) است. افزون بر این، با توجه به آمار توصیفی مندرج در جدول مزبور، میانگین پاسخ‌های آزمودنی‌ها به این گزاره کمتر از ۳ است. بر این اساس، سود و زیان نگهداشت سرمایه باید در صورت سود و زیان جامع شناسایی شود.

جدول ۸- نتایج آزمون سؤال پنجم پژوهش

ارزش مورد آزمون = ۳					
آماره t	درجه آزادی	احتمال معناداری (یک طرفه)	تفاضل میانگین	فاصله اطمینان ۰/۹۵ برای تفاضل میانگین	
-۱۵/۹۵۹	۶۹۶	۰/۰۰۰۵	-۰/۶۳۵۵۸۱۱	کران پایین	کران بالا
				-۰/۷۱۳۷۷۴	-۰/۵۵۷۳۸۸
تعداد	۶۹۷	میانگین	۲/۳۶۴	انحراف معیار	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶-۲-۶- نتایج آزمون سؤال ششم پژوهش

«آیا نیازی به ارائه هم‌زمان اطلاعات الگوی بهای تاریخی و ارزش‌های جاری وجود دارد؟»
 نتایج آزمون سؤال ششم پژوهش در جدول شماره ۹ ارائه شده است. طبق اطلاعات جدول مزبور، فراوانی مشاهده شده و احتمال معناداری آماره‌های دو حاکمی از این است که اقدام مناسب در خصوص ارائه ارقام مربوط به ارزش‌های جاری، به ترتیب، عبارت است از:
 (۱) ارائه به عنوان اطلاعات مکمل بهای تاریخی (در صورت مالی جداگانه)؛
 (۲) ارائه به عنوان صورت‌های مالی اساسی؛
 (۳) ارائه در یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی بر مبنای بهای تاریخی؛
 (۴) تهیه صورت‌های مالی به شکل ترکیبی از بهای تاریخی و ارزش‌های جاری.

جدول ۹- نتایج آزمون سؤال ششم پژوهش

احتمال معناداری	آماره‌های دو	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده	در ارائه ارقام مربوط به ارزش‌های جاری، مناسب‌ترین روش عبارت خواهد بود از:
۰/۰۰۰۵	۲۴۹/۱۵۲	۱۷۴/۳	۱۱۹	ارائه به عنوان صورت‌های مالی اساسی
		۱۷۴/۳	۳۵۱	ارائه به عنوان اطلاعات مکمل بهای تاریخی (در صورت مالی جداگانه)
		۱۷۴/۳	۱۴۳	ارائه در یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی بر مبنای بهای تاریخی
		۱۷۴/۳	۸۴	تهیه صورت‌های مالی به شکل ترکیبی از بهای تاریخی و ارزش جاری

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۷- بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن شرایط تورمی ایران، به تدوین الگوی مفهومی اندازه‌گیری ارزش‌های جاری در ایران پرداخته شد. یافته‌های پژوهش حاکی از مثبت بودن نظر آزمودنی‌ها درباره به‌کارگیری الگوی گزارشگری ارزش‌های جاری در ایران است. به بیان دیگر، نتایج این پژوهش نشان داد که در شرایط فعلی ایران، الگوی گزارشگری بهای تاریخی از کارایی لازم برخوردار نیست. یافته‌های حاصل از آزمون این سؤال با نتایج پژوهش تاجیک (۱۳۹۳) منطبق است. همچنین، یافته‌های پژوهش حاکی از این است که با توجه به شرایط اقتصادی و تغییر قیمت‌ها در ایران، الگوی گزارشگری ارزش‌های جاری، الگویی مناسب برای گزارشگری حسابداری در ایران است. یافته‌های این بخش به طور ضمنی با نتایج پژوهش‌هایی هم‌چون گردن (۲۰۰۱) و بیک و همکاران (۲۰۱۸) همسو است. در توجیه این نتایج می‌توان گفت که اقتصاد ایران در چند دهه اخیر، به دلایل مختلفی از جمله تحریم‌های اقتصادی، دچار تورم‌های شدیدی بوده است و این موضوع به شدت ارزش‌های جاری و بدهی‌های شرکت‌ها، به‌ویژه دارایی‌ها و بدهی‌های غیرجاری، را دستخوش خود قرار می‌دهد. این موضوع باعث شده است که اطلاعات تهیه شده بر مبنای الگوی گزارشگری بهای تاریخی برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان چندان سودمند واقع نشود و بنابراین به سمت الگوی گزارشگری ارزش‌های جاری سوق پیدا کنند. لازم به ذکر است که در ایران میزان عکس‌العمل سرمایه‌گذاران به سهام شرکت‌هایی که قصد افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت دارند، بسیار بالا است؛ این موضوع نیز خود می‌تواند گواهی بر تمایل سرمایه‌گذاران به الگوی گزارشگری ارزش‌های جاری نسبت به الگوی بهای تمام شده تاریخی باشد.

از دیگر نتایج حاصل شده در این پژوهش می‌توان به اولویت ارزش خروجی نسبت به ارزش ورودی و ارزش فعلی جریان‌های نقد آتی برای به‌کارگیری الگوی گزارشگری ارزش‌های جاری اشاره کرد. دستیابی به این نتیجه به طور ضمنی بیانگر مقبولیت دیدگاه هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری نزد پاسخ‌دهندگان است. به عبارت دیگر، آزمودنی‌ها با توجه به دیدگاه این هیأت و تحت تأثیر آن و همچنین، به منظور هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی حسابداری، به رویکرد ارزش خروجی به عنوان مناسب‌ترین رویکرد، بالاترین امتیاز را اختصاص داده‌اند. این یافته مطابق با دیدگاه افرادی همچون استرلینگ و چمبرز است؛ باید گفت که در ایران نیز از دیدگاه پاسخ‌دهندگان اطلاعات مربوط حاصل از ارزش خروجی نسبت به ارزش ورودی از اولویت بالاتری برخوردار است. به هر حال، تأیید کردن یا نکردن توجیه‌های ذکر شده نیازمند آزمون‌های تجربی در پژوهش‌های آینده است.

براساس نظرات آزمودنی‌ها، در بین اقلام صورت وضعیت مالی، به ترتیب، اقلام ماشین‌آلات و

تجهیزات، ابزارهای مالی، زمین، ساختمان، دارایی نامشهود، موجودی مواد و کالا و بدهی‌های غیرجاری در این رابطه دارای بیشترین امتیاز است. به عبارت دیگر، ارائه ارزش‌های جاری برای دارایی‌های ثابت و ابزارهای مالی از ضرورت بیشتری برخوردار است. در تحلیل این نتیجه می‌توان به عمر مفید طولانی دارایی‌های ثابت اشاره کرد که منجر به نمایش چندین ساله این ارقام در صورت‌های مالی می‌شود. در صورتی که در گزارشگری این ارقام از بهای تاریخی استفاده شود، با بالا رفتن سطح قیمت‌ها و تورم، ارائه این ارقام به بهای تاریخی منجر به تحریف صورت‌های مالی می‌شود. افزون‌بر این، با توجه به اینکه اغلب این ارقام از ارزش قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار است، ارائه نکردن آن‌ها به ارزش جاری تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر منصفانه بودن صورت وضعیت مالی و سود و زیان (به سبب تأثیر هزینه استهلاک) می‌گذارد.

شناسایی سود و زیان نگهداشت سرمایه در صورت سود و زیان جامع از دیگر یافته‌های پژوهش است. بر اساس نتایج پژوهش، از نظر آزمودنی‌ها شناسایی سود و زیان نگهداشت سرمایه در صورت سود و زیان دوره یا صورت سود و زیان جامع نسبت به شناسایی نکردن یا ارائه آن در یادداشت‌های توضیحی ارجحیت دارد. هم‌چنین، آزمودنی‌ها به شناسایی این ارقام در صورت سود و زیان جامع نسبت به صورت سود و زیان دوره امتیاز بیشتری دادند. در نهایت، طبق نتایج حاصل از آزمون سؤال آخر، مناسب‌ترین روش برای ارائه و گزارش اطلاعات ارزش‌های جاری، ارائه به عنوان اطلاعات مکمل بهای تاریخی (در صورت‌های مالی جداگانه) است. بر اساس نتایج یافته‌های پژوهش و دیدگاه پاسخ‌دهندگان، الگوی مفهومی اندازه‌گیری ارزش‌های جاری به شرح زیر است.

پژوهش حاضر نخستین پژوهش در ایران است که به موضوع اندازه‌گیری و ارائه اطلاعات الگوی گزارشگری ارزش‌های جاری به منظور به‌کارگیری این الگو پرداخته است. از این رو، با توجه به جدید بودن موضوع پژوهش و نبود پژوهش‌های مشابه در این زمینه، امکان تطبیق و مقایسه کامل یافته‌های این پژوهش با پژوهشی مشابه فراهم نشد.



شکل ۱- الگوی مفهومی اندازه‌گیری ارزش‌های جاری در ایران

با توجه یافته‌های پژوهش مبنی بر ناکارایی الگوی حسابداری بهای تاریخی و اهمیت گزارشگری ارزش‌های جاری در ایران، به کمیته تدوین استانداردهای حسابداری ایران به عنوان متولی اصلی تدوین استانداردهای حسابداری کشور پیشنهاد می‌شود، تا زمان پذیرفتن کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، تا حد امکان استفاده از ارزش‌های جاری را در تدوین استانداردهای حسابداری در دستور کار قرار داده و در استانداردهای مصوب قبلی نیز تجدید نظر

کند. هم‌چنین، به سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود نقش متولی را در پیاده‌سازی الگوی گزارشگری ارزش‌های جاری پذیرفته و زیرساخت‌های لازم را در این زمینه فراهم کند. سرانجام، به منظور انجام پژوهش‌های آتی، پیشنهادهایی به شرح زیر به پژوهشگران ارائه می‌شود:

(۱) مقایسه تأثیر اطلاعات ارزش‌های جاری و بهای تاریخی بر تصمیم استفاده‌کنندگان از این اطلاعات.

(۲) بررسی تأثیر گزارشگری ارزش‌های جاری بر حق‌الزحمه حسابرسی.

(۳) بررسی موانع و مشکلات حسابرسان در حسابرسی اطلاعات ارزش‌های جاری.

(۴) بررسی میزان قابلیت فهم اطلاعات ارزش‌های جاری از سوی گروه‌های مختلف استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی.

(۵) آزمون تأثیر افشای اطلاعات گزارشگری ارزش‌های جاری بر مواردی هم‌چون کیفیت سود و ضریب واکنش سود.

شایان ذکر است، تجربه نداشتن آزمودنی‌ها در رابطه با برخی از سؤال‌های پرسش‌نامه از جمله محدودیت‌ها و چالش‌هایی بود که ممکن است نتایج پژوهش حاضر را دست‌خوش تغییر کند. به عبارت دیگر، آزمودنی‌ها با تجربه کردن برخی از موارد در دنیای واقعی، ممکن است پاسخ‌های متفاوتی ارائه دهند. با این وجود، سعی شد با استفاده از نظر خبرگان و هم‌چنین استانداردسازی سؤال‌ها و ابزارهای سنجش بر این محدودیت چیره شد.

فهرست منابع

- ۱) آذر، ع. و مؤمنی، م. (۱۳۹۷). آمار و کاربرد آن در مدیریت. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۲) احمدپور، ا. و غلامی‌کیان، ع. (۱۳۸۲). بررسی اثرات تورم بر فرسایش سرمایه شرکت‌ها. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. ۱۹ (۲)، ۶۳-۷۴.
- ۳) تاجیک، ک. (۱۳۹۳). تدوین مدل حسابداری تورمی در ایران. رساله دکتری. دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران
- ۴) جلیلی، ا. و منتقمی، ع. (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی تورمی مبتنی بر رویکردهای حسابداری مدیریت. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. ۴ (۱۴)، ۱۰۵-۸۷.
- ۵) حجازی، ر. و میهمی، ش. (۱۳۹۶). بررسی دیدگاه‌های متفاوت در تأثیر پذیرش استاندارد حسابداری ارزش منصفانه بر سود حسابداری. پژوهش‌های تجربی حسابداری. ۶ (۲۴)، ۱۵۰-۱۲۷.
- ۶) دستگیر، م. و امیدعلی، م. (۱۳۸۳). بررسی موانع استفاده از حسابداری تورمی در ایران. بررسی‌های حسابداری و حسابرس. ۱۱ (۳۵)، ۶۲-۴۵.
- ۷) دستگیر، م. و نیکزاد چاش‌تری، ق. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی و اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی مبتنی بر ارزش-های جاری. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی. ۱۱ (۲)، ۱۹-۳۴.
- ۸) دیده‌خانی، ح، دمیری، م. و کویانی، م. (۱۳۹۷). تأثیر تورم و چرخه عملیاتی بر انباشت وجه نقد. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی. ۱۰ (۳۹)، ۲۹-۴۴.
- ۹) رحمانی، ع. و طاهری، م. (۱۳۹۶). بهای تمام شده یا ارزش منصفانه تسهیلات، کدام یک بر زیان اعتباری شبکه بانکی ایران مؤثر است؟. فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی. ۱۰ (۳۳)، ۴۸۱-۵۰۷.
- ۱۰) رویایی، ر. (۱۳۷۱). حسابداری تورمی: صورت‌های مالی تعدیل شده. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- ۱۱) ساسانی، م. (۱۳۷۵). صورت‌های مالی تعدیل شده بر اساس شاخص عمومی قیمت‌ها و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری اقتصادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- ۱۲) ستایش، م. (۱۳۸۰). بررسی تأثیر افشای اطلاعات حسابداری بر مبنای تورم بر روی قیمت سهام. رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

۱۳) شهرضایی، م. (۱۳۸۱). بررسی تأثیر نسبت‌های مالی تعدیل شده بر اساس تورم بر تصمیمات استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.

۱۴) عامری، م. (۱۳۷۶). تعدیل صورت‌های مالی بر مبنای شاخص قیمت‌ها و اثرات آن بر رفتار استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.

۱۵) غلامی‌کیان، ع. (۱۳۸۲). بررسی اثرات تورم بر فرسایش سرمایه شرکت‌ها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران.

۱۶) فرج‌زاده دهکردی، ح.، اعتمادی، ح. و فغفور مغربی، ی. (۱۳۹۴). محتوای اطلاعاتی سود (زیان)‌های تعدیل‌شده بابت تورم. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی. ۷(۲۷)، ۱۱۱-۱۲۴.

۱۷) کرمی، غ. و تاجیک، ک. (۱۳۹۴). تدوین مدل گزارشگری حسابداری تورمی در ایران. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. ۲۲(۱)، ۱۰۵-۱۲۴.

۱۸) گل‌محدی، م. و رحمانی، ع. (۱۳۹۷). شناسایی چالش‌های فنی به‌کارگیری ارزش منصفانه در گزارشگری مالی ایران: با تأکید بر الزامات IFRS13. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. ۲۵(۳)، ۳۸۷-۴۱۴.

۱۹) مجتهدزاده، و. و امامی، س. (۱۳۸۹). مقایسه مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای با مدل تعدیل شده برای شرایط تورمی. پژوهش‌های حسابداری مالی. ۴(۶)، ۱۰۹-۱۲۴.

۲۰) مرادی، م.، جعفری‌دره‌در، م. و حسین‌زاده، س. (۱۳۹۸). چالش‌ها و فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه در راستای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. ۲۶(۳)، ۴۵۶-۴۸۱.

۲۱) هوشنگی، ر. (۱۳۹۱). ارتباط با ارزش داده‌های تعدیل شده با تورم در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.

22) Barlev, B., & Haddad, J. R. (2003). Fair value accounting and the management of the firm. *Critical Perspectives on Accounting*, 2354(October 2001), 383-415.

23) Bick, P., Orlova, S., & Sun, L. (2018). Fair value accounting and corporate cash holdings. *Advances in Accounting*, 40, 98-110.

24) Carroll, T. J., Linsmeier, T. J., & Petroni, K. R. (2003). The reliability of fair value versus historical cost information: Evidence from closed-end mutual funds. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 18(1), 1-24.

25) Chambers, R. J. (1966). A study of a price level study. *Abacus*, 2(2), 97-118.

26) Chordia, T., & Shivakumar, L. (2005). Inflation illusion and

- post-earnings-announcement drift. *Journal of Accounting Research*, 43(4), 521-556.
- 27) Demerjian, P., Donovan, J., & Larson, C. (2016). Fair value accounting and debt contracting: Evidence from adoption of SFAS 159. *Journal of Accounting Research*, 54(4), 1-36.
- 28) Dietrich, J., Harris, M. S., & Muller, K. A. (2000). The reliability of investment property fair value estimates. *Journal of Accounting and Economics*, 30(2), 125-158.
- 29) Edwards, J., & O'Keefe, W. (1981). Financial reporting in an inflationary environment. *Business Horizons*, 24(4), 21-29.
- 30) Elliott, B., & Elliott, J. (2013). *Financial accounting and reporting*. Pearson Education.
- 31) Godfrey, J., Hodgson, A., Tarca, A., Hamilton, J., & Holmes, A. (2010). *Accounting theory* (7th ed.). Australia: John Wiley & Sons.
- 32) Greiner, A. J. (2015). The effect of the fair value option on bank earnings and regulatory capital management: Evidence from realized securities gains and losses. *Advances in Accounting*, 31(1), 33-41.
- 33) Hidgson, C. (1998). Goodwill. *British Accounting Review*, 20, 141-158.
- 34) Kumarasiri, J., & Fisher, R. (2011). Auditors' Perceptions of Fair-Value Accounting: Developing Country Evidence. *International Journal of Auditing*, 15(1), 66-87.
- 35) Laux, C., & Leuz, C. (2009). The crisis of fair-value accounting: Making Sense of the recent debate. *Accounting, Organizations and Society*, 34(6-7), 826-834.
- 36) Liao, L., Kang, H., Morris, R. D., & Tang, Q. (2013). Information asymmetry of fair value accounting during the financial crisis. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 9(2), 221-236.
- 37) Muller III, K. A., Riedl, E. J., & Sellhorn, T. (2011). Mandatory fair value accounting and information asymmetry: Evidence from the European real estate industry. *Management Science*, 57(6), 1138-1153.
- 38) Palea, V. (2014). Fair value accounting and its usefulness to financial statement users. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 12(2), 102-116.
- 39) Ramanna, K. (2013). Why "fair value" is the rule: How a controversial accounting approach gained support. *Harvard Business Review*, 91(3), 99-101.
- 40) Riahi-Belkaoui, A. (2004). *Accounting theory*. Cengage Learning EMEA.
- 41) Schroeder, R. G., Clark, M. W., & Cathey, J. M. (2001). *Accounting: Theory and Analysis*. John Wiley & Sons.
- 42) Sikalidis, A., & Leventis, S. (2016). The Impact of unrealized fair value adjustments on dividend policy. *European Accounting Review*, 25(3), 451-485.
- 43) Thompson, G. (1987). Inflation accounting in a theory of calculation. *Accounting Organizations and Society*, 12(5), 523-543.
- 44) Vergauwe, S., & Gaeremynck, A. (2019). Do measurement-related fair value disclosures affect information asymmetry?. *Accounting and Business Research*, 49(1), 68-94.
- 45) Walton, P. (Ed.). (2012). *The Routledge companion to fair value and financial reporting*. Routledge.
- 46) Whittington, G. (1983). *Inflation accounting: An introduction to the debate*. New

- York: Cambridge University Press.
- 47) Whittington, G. (2017). Value and Profit: An Introduction to Measurement in Financial Reporting. Cambridge University Press
- 48) Wolk, H. I., Dodd, J. L., & Rozycki, J. J. (2013). Accounting theory: Conceptual issues in a political and economic environment. Los Angeles: Sage.

یادداشت‌ها

- ¹ Valuation
- ² Capital Maintenance
- ³ Palea
- ⁴ General Price Level Change
- ⁵ Specific Price Change
- ⁶ Wolk, Dodd and Rozycki
- ⁷ Edwards and O'Keefe
- ⁸ International Financial Reporting Standards (IFRS)
- ⁹ Laux and Leuz
- ¹⁰ Godfrey, Tarca, Hamilton and Holmes
- ¹¹ Whittington
- ¹² Thompson
- ¹³ Ramanna
- ¹⁴ Sterling
- ¹⁵ Schroeder, Clark and Cathey
- ¹⁶ Chambers
- ¹⁷ International Financial Reporting Standards 13 (IFRS 13)
- ¹⁸ Statement of Financial Accounting Standards 157 (SFAS 157)
- ¹⁹ Hidgson
- ²⁰ Barlev and Haddad
- ²¹ Carroll, Linsmeier and Petroni
- ²² Dietrich
- ²³ Demerjian, Donovan and Larson
- ²⁴ Elliott
- ²⁵ Financial Capital
- ²⁶ Belkaoui,
- ²⁷ Real Financial Capital
- ²⁸ The Proprietary Concept
- ²⁹ Operating Capacity Capital
- ³⁰ The Entity Concept
- ³¹ Real Operating Capacity Capital
- ³² Chordia and Shivakumar
- ³³ Muller, Riedl and Sellhorn
- ³⁴ Kumarasir and Fisher
- ³⁵ Liao, Kang, Morris and Tang
- ³⁶ Greiner
- ³⁷ Sikalidis and Leventis
- ³⁸ Bick, Orlova and Sun
- ³⁹ Vergauwe and Gaeremynck
- ⁴⁰ Cook, Heath and Thompson
- ⁴¹ Ballantyne